

محمد رضا فشاہی
فیروید و
لیلیٰ
مکبث





فشاهی، محمدرضا، ۱۳۲۴ - Fashahi, Mohamad Reza	سرشناسه
فروید و لیدی مکتب/ محمدرضا فشاهی؛ ویراستار ظاهره عالی نژادپیان	عنوان و نام پدیدآور
تهران: شب‌خیز، ۱۳۹۸.	محل نشر
۱۹۲ ص؛ ۹/۵×۱۹ س.م.	مشخصات ظاهری
۹۷۸-۶۲۲-۹۵۰۰۳-۹-۲	وضعیت فهرستی
فیبا	یادداشت
روید، زیگموند، ۱۸۵۶ - ۱۹۳۹ م. -- نقد و تفسیر	موضوع
Freud, Sigmund -- Criticism and interpretation	موضوع
نکسیر، ویلیا، ۱۵۶۴ - ۱۶۱۶ م. -- شخصیت‌ها	موضوع
Shakespeare, William -- Character	موضوع
روانکاوی و ادبیات	موضوع
Psychoanalysis and literature	موضوع
PN۵۶	رده‌بندی کنگره
۸۰۱/۹۲	رده‌بندی دیویی
۵۷۶۹۶۰۹	شماره‌ی کتابشناسی ملی



فروید و لیدی مکتب

نویسنده	محمدرضا فشاہی
ویراستار	طاهره عالی نژادیان
طراح جلد	حبیب رضایی
تصویری - لید	اثری از جان مینگر سارجنت

اولی نسخه ۱۳۰۰، ۵۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۰۰۳-۰۰۲

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

نشر شب‌خیز: تهران، انتهای اشرفی اصفهانی، خیابان نفت، پلاک ۴۴، واحد ۲۲

تلفن: ۴۸۷۰۶۶

Email: nashrshabkhiz@gmail.com

nashrshabkhiz



فهرست

۷	سرلوحه
۱۱	پیشگفتار
۱۹	۱. «Ich sterbe» یا هنگامی که حرف به پیشواز فروید می‌شتابد!.....
۳۵	۲. بررسی‌ها درباره‌ی هیستری یا سیددهد یک دانش‌نوین.....
۹۹	۳. فروید و ادبیات.....
۱۳۳	۴. فروید و شکسپیر، فروید و لیدی مکبث.....
۱۷۳	یادداشت‌ها و منابع
۱۸۹	نمایه

پیشگفتار

بازگشت به سرچشمه یعنی «زندگی» یا «هستی»، و یا به عبارت بهتر به ادبیات، هنر، انسان‌شناسی و روان‌شناسی می‌تواند توان‌بخش روح شود و آرامش به همراه آورد، و به گفته‌ی سعدی بزرگوار «مُمدِّ حیات من شرح است» باشد. از همین روست که پندهای درخشان و ژرف اعرصه و آن دو خردمند بزرگ آلمان و جهان — کانت^۱ و گوته^۲ — را که در سرلوحه‌ی این کتاب آمده به کار بستم.

شمار نامداران عرصه‌ی ادبیات و هنر و دانش‌های سانی که وامدار آن‌ها هستیم به صدها و هزارها می‌رسد، اما در میان آن‌ها چند تن از ارج و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و هستند: اشیل^۳، اوری‌پید^۴، سوفوکلا^۵، شکسپیر^۶، سروانتس^۷، اسپینوزا^۸، گالیله^۹، نیوتن^{۱۰}، مارکس^{۱۱}، ایلم برونه^{۱۲} و بلندی‌های بادگیر او، استاندال^{۱۳}، تورگنیف^{۱۴}، داستایفسکی^{۱۵}، تولستوی^{۱۶}، هرمان ملویل^{۱۷} و وال سید او، کامیل سن‌سانس^{۱۸}، ادوارد

- | | | |
|--------------|---------------------|---------------------------------|
| 1. Kant | 2. Goethe | 3. Eschyle |
| 4. Euripide | 5. Sophocle | 6. Shakespeare |
| 7. Cervantes | 8. Spinozs | 9. Galileo Galilei |
| 10. Newton | 11. Marx | 12. Emily Bronte |
| 13. Stendhal | 14. Tourgueniev | 15. Dostoievski |
| 16. Tolstoi | 17. Herman Melville | 18. Charles-Camille Saint-Saëns |

گریگ^۱، هنریک ایبسن^۲، آنتوان چخوف^۳، گوستاو مالر^۴ و نه سمفونی شکوه‌مند او، سرگی راخمانینوف^۵ و کنسرتو پیانوهای مالیخولیایی، نوستالژیک و تراژیک او، انریکه گرانادوس^۶ و نغمه‌های بی‌نظیر او و سرانجام ولادیمیر مایاکوفسکی^۷ و کوهستان پر شکوه اشعار او، سرگی آیزنشتاین^۸ و سینمای جاویدان او، و زیگموند فروید^۹ و دانش نوین روان‌کاوی او.

از میان این نوابغ پرشمار، یک تن از آن‌ها یعنی فروید را در این گفتار^{۱۰} گرد آورده‌ام، و از جریان پربار این شطّ بزرگ و بی‌پایان نیز، تنها با انتخاب یک جویبار بسیار کوچک یعنی «ادبیات، شکسپیر و لیدی مکبث» بسنده کرده‌ام، و گفتار در باب دیگران را، اگر زمان و توانی به برفرستی دیگر گذاشته‌ام. این گفتار بنا به رسم دیرینه و همیشگی من و در جهت مخالف شیوه‌ی ناپسند رایج، نه ترجمه است، نه اقتباس و نه وونیسی آثار غربیان. حاصل رأی و اجتهاد شخصی است، و از همین روی هیچ شباهتی به اندیشه و نوشته‌ی هیچ صاحب‌قلمی در این زمینه در سراسر گیتی ندارد، و این به واسطه‌ی روش ابتکاری ویژه‌ی است، که به کار گرفته شده است. در طول یک‌صد سال گذشته، هزاران کتاب و رساله و مقاله و پایان‌نامه‌ی دکتر درباره‌ی زندگی و آثار و اندیشه‌ی فروید انتشار یافته است، و هر یک از مؤلفان با اتکاء بر بیس و دانش و قریحه‌ی شخصی خویش، بر این یا آن ویژگی زندگی خصوصی اجتماعی و علمی و هنری او انگشت نهاده و آن را به تحلیل کشیده‌اند، و از آنجا که تکرار آن مسائل در حکم «زیره به کرمان بردن» است، تمام کوشش من بر آن بوده که بر جنبه‌ای از جنبه‌های زندگی و اندیشه‌های او

1. Edward Grieg 2. Henrik Ibsen 3. Tchekhov
4. Gustav Mahler 5. Serghei Rakhmaninov 6. Enrique Granados
7. Vladimir Maiakovski 8. Serghei Eisenstein 9. Sigmund Freud
10. discours

پرتو افکنم که کارشناسان اروپایی و آمریکایی و روسی و غیره یا آن‌ها را ندیده‌اند و یا بی‌اعتنا به اهمیت آن از کنارش گذر کرده‌اند. به همین جهت است که از «روش ابتکاری» نام برده‌ام و منظور از روش ابتکاری دو چیز است: نخست این که در این گفتار تنها به بررسی «عنوان گفتار» بسنده کرده و از چارچوب آن فراتر نرفته‌ام، و یگر آن که استناد من تنها متکی بر مکاتبات و یادداشت‌های روزانه استناد و آثار فکری فروید و نیز آثار اعضای خانواده و نزدیکان و دوستان و یاران و معاصران او بوده است و بس، زیرا حجم و غنای آثار این نابغه تا آن حد گسترده است که مرا از رجوع به آثار مفسران امری بی‌گزینه‌ای قاطع بی‌نیاز کرده. منظور من از استناد به همراهان و معاصران، اشخاصی هستند که در زمان حیات فروید (۱۸۵۶-۱۹۳۹) در جهان مایمی زیسته‌اند، و درک اندیشه‌های ژرف او بدون رجوع به آثار آن‌ها بسبب وزب و سراز و نشیب جهان در قرن نوزده و آغاز قرن بیستم امکان‌پذیر نیست.

انتخاب این روش مرا بر آن داشته است که از استناد و رجوع به افراد و نهادهای شهره به فرویدیسم معاصر در جهان و به‌ویژه در فرانسه خودداری کنم، بدین معنی که رجوع به سرچشمه را بر رجوع به مفسران سرچشمه، نظیر ژاک لکان و پیروان اسماعیل جیح داده‌ام، زیرا لکانیسم یا فرویدیسم تفسیرشده توسط لکان و پیروان او، به مانند هر منوتیک رایج در آلمان و فرانسه، عبارت بوده است از اختراع خروارها «مفهوم» و «محمول» ناهموار و غریب و تاریک و مشکوک، و تحمیل آن‌ها بر «موضوع» و بار کردن ذهنیات قلم‌زن — ذهنیاتی که هیچ ربطی به «متن» نداشته و ندارند — بر متن، و این یعنی تفسیر تفسیر و تأویل تأویل تا بی‌نهایت!

آن‌گاه عیسی با آن گروه و شاگردان گفت‌وگو کرده گفت که مفتیان و فریسیان بر کرسی موسی نشسته‌اند... وای بر شما

فقیهان و فریسیان نابینا که می‌گویند سوگند آن کس که بر معبد
یاد کند بی‌ارزش است، لیکن سوگند آن کس که بر طلای معبد
یاد کند ارزشمند...^۱

شک و تردید و بی‌اعتمادی من به آثار لکان و پیروان او و
شیوه‌ی دشوارنویسی و تاریک‌نویسی و نامفهوم آن‌ها که شهره‌ی اهل
فرهنگ در فرانسه است — شیوه‌ای که ملغمه‌ای است از پزشکی،
روان‌پزشکی، روان‌شناسی، فلسفه و مائوئیسم (مائوئیسم پنهان در
پروا — به این جهت است که کارهای آن‌ها چیزی نبوده است جز
تیره‌کن و نامفهوم ساختن اندیشه‌های شفاف و درخشان فروید و
همراهان او، زیرا که این افراد این پند استاد خویش یعنی فروید را
ناخوانده یا نادیده گرفته‌اند که در کتاب *روان‌آسیب‌شناسی زندگی*
روزانه گفته بود:

شیوه‌ی شفاف و رک و راست نوشتن، نشان‌دهنده‌ی آن است که
مؤلف در موافقت با خویش قرار دارد، و هر بار که ما با یک شیوه‌ی
بیان مصنوعی، پریچ و خم، گریزان برخورد می‌کنیم، می‌توانیم
بدون آن که در خطر اشتباه قرار دهیم با سیم بگوئیم که ما در برابر
اندیشه‌هایی درهم و برهم قرار گرفته‌ایم که فاقد شفافیت هستند
و بدون اطمینان و اعتماد، و به مثابه‌ی یک تیر هدف مخفی و
منجر به خطر، به معرض نمایش گذاشته شده‌اند. بواسطه‌ی این در هنر
شاعری^۲ می‌گویند: آن‌چه به نیکویی درک شده است، رو می‌شود
بیان می‌شود، و واژه‌ها برای ابراز آن به سهولت می‌رسند.

گفته شد که استناد من تنها محدود به مجموعه آثار فروید و
آثار اطرافیان و پیروان معاصر او خواهد بود. اکثریت این مریدان و
همکاران تا پایان زندگی فروید در ۱۹۳۹ و پس از آن به او وفادار

۱. انجیل متی، باب بیست و سوم، آیه‌های ۱۷-۱.

2. Boileau

3. *Art Poétique*

4. Freud, *Psychopathologie de la vie quotidienne*, Chapitre 5, Les lapsus.
Éditions Paot, Paris, 1979, P. 110.

ماندند، و برخی مانند یونگ و آدلر پس از سال‌ها مرید و مرادی، پرچم مخالفت برافراشتند و اندیشه‌های عرفانی و الهی را — (مورد یونگ) به روان‌کاوی پیوند زدند، و با این اقدام خشم فروید و همکاران او را برانگیختند. و از آن‌جا که اندیشه و کار کشفیات دوستان و همکاران وفادار فروید به گونه‌ای شگفت‌آور بر غنای دانش نوین روان‌کاوی پس‌مکانالیز^۱ افزوده، ذکر نام و استناد به آثار آن‌ها می‌تواند در حکم ارج نهادن بر آن‌ها و بزرگ‌داشت اندیشه‌های‌شان باشد. از این گروه هستند:

یورف برنر^۲، یلهلم فلیس^۳، آلفرد آدلر^۴، لو آندره آسالومه^۵، کارل گوستاو یونگ^۶، کارل آبراهام^۷، اویگن بلویلر^۸، اوتو رانک^۹، ماکس آیتینگون^{۱۰}، ساندور فیرنزی^{۱۱}، ارنست جونز^{۱۲}، ملانی کلاین^{۱۳}، هلن دویچ^{۱۴}، ماری بوناپارت^{۱۵}، آلفرید^{۱۶}، ویلهلم رایش^{۱۷}، اریش فروم^{۱۸}، برونو بتلهایم^{۱۹}، پیترو گای بسم اصلی^{۲۰}، ریوآخیم فرولیش^{۲۱}، هانس زاکس^{۲۲}، توماس مان^{۲۳}، اشتفان تسلیگ^{۲۴} و چند تن دیگر.

و آخرین نه کمترین:

نخست این‌که نقل قول‌ها از آثار فروید به اشتباه عریض و طویل، یا به گونه‌ای دقیق و کلمه به کلمه است و یا نقل به تلخیص، در هر دو حال تمام کوشش من بر آن بوده است که به اندیشه و گفتار او با

1. Psychoanalyse

3. Wilhelm Fliess (1858-1928)

5. Lou Andrea-Salomé (1861-1937)

7. Karl Abraham (1877-1925)

9. Otto Rank (1884-1939)

11. Sandor Ferenczi (1873-1933)

13. Melanie Klein (182-1960)

15. Marie Bonaparte (1882-1962)

17. Wilhelm Reich (1897-1975)

19. Bruno Bettelheim (1903-1990)

21. Hanns Sachs (1881-1947)

23. Stefan Zweig (1881-1942)

2. Josef Breuer (1842-1925)

4. Alfred Adler (1870-1937)

6. Karl Gustav Jung (1875-1961)

8. Eugen Bleuler (1857-1939)

10. Max Eitingon (1881-1943)

12. Ernest Jones (1879-1958)

14. Helene Deutsch (1884-1982)

16. Anna Freud (1895-1982)

18. Erich Fromm (1900-1980)

20. Peter Joachim Frolich (1923-2015)

22. Thomas Mann (1875-1955)

تمام وجود وفادار بمانم. دیگر آن که فشرده‌گی گفتار حاضر معلول غنا و ژرفای بی‌نهایت اندیشه‌های این کوهسار پر شکوه تاریخ فرهنگ انسانی است، زیرا که در سطر سطر آثار او گفت‌وگو از «فرهنگ» در میان است و نه «شبه‌فرهنگ» و یا «زیرفرهنگ». اگر تلاش فروتنانه‌ی من برای ادای دین به این بزرگوار بی‌نظیر جهان روان و اندیشه، و برتو افکندن بر جنبه‌های ناشناخته‌ی اندیشه‌های او در باب ادبیات، شکسپیر و تراژدی مکبث قبول افتد شادمان خواهم شد، ورنه به قه‌ور خوارم اعتراف خواهم کرد.

ژانویه ۲۰۱۷